



«دسته دختران» مخاطب را با صحنه‌های درخشان جنگ و تلخی‌های پشت سر هم که مثل سیلی بر صورت مخاطب می‌نشیند، مرعوب می‌کند تا چنان درگیر فرم شود که به محتوا فکر نکند...



و در هر گام قرار بود موقعیت خطرناک جدیدی برای کاراکترها به‌وجود بیاید. البته باید تأکید کنم که انتخاب عوامل در نتیجه‌های بسیار مؤثر است. اگر تهیه‌کننده فیلم فرد دیگری بود شاید نتیجه به گونه‌ای دیگر می‌شد. این بسیار مهم است که تهیه‌کننده جقدر پای کار است و تا زمانی که از کار راضی نشود، اجازه ندهد سراغ سکانس‌های بعدی برویم. طراح صحنه، مدیر فیلمبرداری، مسئول جلوه‌های ویژه و سایر عوامل هر کدام آورده‌ای به همراه دارند. ما از این بابت خوش‌شانس بودیم که عوامل درستی برای کار در کنار هم قرار گرفتند. من هم به‌عنوان کارگردان وقتی این حجم از انرژی و زحمت را می‌دیدم، رویم نمی‌شد بدون رسیدن به نتیجه مطلوب سراغ سکانس‌های بعدی بروم. واقعا هم اینگونه نبود که هر آنچه از امکانات می‌خواستیم در اختیارمان باشد اما تلاش می‌کردیم از همان امکانات حداقلی استفاده درست کنیم.

نکته دیگر در این فیلم به نظر می‌رسد، نوعی از خشونت عریان در نشان دادن جراحات‌ها و اجساد مردگان در بسیاری از صحنه‌هاست که این نکته در بخش‌هایی از فیلم ممکن است موجب آزار مخاطب هم شود.

قیدی در خصوص این حجم از خشونت در فیلم دسته دختران گفت: وقتی بحث جنگی پیش می‌آید که بچه و زنان درگیر آن هستند، این خشونت‌ها هم بخشی از ماجرا می‌شود که از نمایش آن ناگزیر هستیم. بخشی از این خشونت‌ها مستقیماً از همان کتاب‌های خاطراتی که خوانده بودیم، آمده است. اینها نمایش خشونت اضافه و بی‌خودی نیست. اگر نشان نمی‌دادیم، به نظر سهیل انگارانه از کنار ماجرا عبور کرده بودیم. به تعبیر میلاد اکبرزاد، به هر حال این فیلم روایت یک تراژدی است که چه بخواهیم و چه نخواهیم، هر تراژدی این غم را با خود به همراه دارد.

وی ادامه داد: اساساً آن فیلم روایتی در خط مقدم دارد و فضایی به‌طور کامل متفاوت از «دسته دختران» دارد. در عین اینکه بالاخره هر جنگی خشونت در دل خود دارد. در همه جنگ‌ها دست و پا قطع می‌شود و عده‌ای زیر آوار می‌مانند. اگر به این دلیل که در «تنگه ابوقریب» دست و پای قطع‌شده تصویر شده می‌خواستیم از آن پرهیز کنیم، گویی دیگر فیلم جنگی‌ای نباید ساخته شود چرا که در همه جنگ‌ها این خشونت وجود دارد و نمی‌توان آن را از جنگ سوا کرد.

نقد‌های بسیاری بر فیلم «دسته دختران» وارد شد که در این میان سید حسین متولیان در نقد این فیلم گفت: با اینکه اصلاً تقسیم‌بندی‌هایی از جنس تقسیم سینما به زنانه و مردانه را دوست ندارم، اما نمی‌توان کارکرد زنانگی یا مردانگی را در برخی ساخته‌های سینمایی انکار کرد...

وی افزود: پیش‌تر از این فیلمسازان زن صاحب‌عباری در عرصه سینمای ایران ظهور کرده‌اند؛ رخشان بنی‌اعتماد، پوران درخشنده، منیژه حکمت از این دسته‌اند... در این میان کم‌اند بانوانی که مانند نرگس آبی‌ار موضوع جدی و زحمت‌خیز جنگ را دستمایه فیلمسازی خود قرار داده‌اند... و معدودتریند فیلمسازانی که چون انسیه شاه‌حسینی و منیر قیدی که از حواشی جنگ خارج و به‌طور مستقیم وارد میدان جریان جنگ شده‌اند، اما منیر قیدی آنجایی منحصر به فرد می‌شود که در آثار خود «ویلاهی‌ها» ساخته اخیر خود «دسته دختران» که با حمایت حوزه هنری تولید شده زبان و نگاهی کاملاً زنانه را به واقعه جنگ برگزیده است.

این منتقد سینما گفت: زبانی که به عقیده نگارنده در فیلم ویلاهی‌ها از منظر سینمایی بومی‌تر، نزدیک‌تر به حقیقت جنگ و بالغ‌تر تحقق یافته است.

دسته دختران روایت قصه چند زن است که تصمیم گرفته‌اند بمانند و دوشادوش مردان بجنگند. آنها به کمک‌های امدادی و حمایت‌های پشت جبهه قانع نیستند و البته هر کدام دلیلی برای این انتخاب دارند.

وی افزود: نکته‌ای که فیلم را به سمت کلیشه فیلم‌های فمینیستی هدایت می‌کند و با حکایت‌اصیل جنگ و فرهنگ ایرانی در زمان جنگ تحمیلی فاصله می‌دهد، این است که بر حسب اتفاق سه زن از این پنج نفر از خانواده خود برده‌اند! یکی به درخواست

قیدی گفت: به نظر «دسته دختران» هم به لحاظ فضای داستانی و هم به لحاظ ساختاری کاملاً متفاوت از «ویلاهی‌ها» است. نمی‌توانم بگویم اگر «ویلاهی‌ها» موفق بوده است، حتماً «دسته دختران» هم موفق خواهد بود، چون ساختار، موضوع و جزئیات این دو پروژه روندی کاملاً متفاوت داشته‌اند.

وی افزود: «دسته دختران» اساساً در ادامه «ویلاهی‌ها» نیست و حتی می‌توانم بگویم به‌نوعی مسیر فیلمسازی‌ام از نظر سینمایی به کل متفاوت شده است. تنها وجه اشتراک این دو فیلم همان زن و جنگ است اما در دو فضای کاملاً متفاوت.

این کارگردان زن سینمای کشور گفت: حتی می‌توان گفت کاراکترهای ما هم به هیچ‌وجه واقعی نیستند ولی برخی از حوادثی که در طول این مسیر بر این کاراکترها می‌گذرد، برگرفته از واقعیت‌هایی است که شاید در موقعیت‌های دیگری تجربه شده باشد. ما همه این وقایع را به مسیر ساختگی داستان فیلم آورده‌ایم.

وی افزود: در برخی موارد حتی شاهد قصه‌های مشترک در برخی کتاب‌ها بودیم. بدین صورت که داستان‌ها به هم می‌رسیدند و گاهی هم در تضاد با یکدیگر می‌شدند.

فیلم دسته دختران براساس یک کاراکتر اصلی پیش نمی‌رود بلکه چندین کاراکتر اصلی را در این فیلم شاهد هستیم. موقعیت داستانی هر کدام از این کاراکترها براساس تفکری نوشته شده است.

قیدی با اشاره به موقعیت داستانی هر کدام از کاراکترهای فیلم گفت: فرایند نگارش فیلمنامه یک روند خیلی سخت بود و به سختی هم به تفاهم رسیدیم. من به دلایلی، برخی علائقی شخصی داشتم که بچه‌ها یا بخش‌هایی از آن مخالف بودند اما در نهایت زور من چربید. واقعیت این است که در انتخاب کاراکترها، نگاهم به امروز هم بود. درست است که ما می‌خواستیم قصه زنان آن دوران را روایت کنیم اما وقتی فکر می‌کردم که برای چه کسی می‌خواهیم این داستان را روایت کنیم، می‌دیدم که مخاطب ما، جامعه امروز و جوانان امروز هستند.

وی ادامه داد: در زمان «ویلاهی‌ها» هم چنین بحثی وجود داشت. ما می‌خواستیم برای افرادی که با این موقعیت‌ها آشنایی نداشته و ندارند، قصه‌ای را تعریف کنیم اما نه لزوماً برای افرادی که خودشان آن سال‌ها را تجربه کرده و از آن خاطره دارند. به همین دلیل سعی کردم با نگاهی که به امروز و مخاطب فعلی اثر داشتم، تمهیداً برخی ویژگی‌های کاراکترها دست ببرم و آنها را به گونه‌ای طراحی کنم که مخاطب امروز بتواند خودش را در هر کدام از این کاراکترها پیدا کند. البته در خلال فیلم شاهد هستیم که کاراکتری که فرشته حسینی نقشش را ایفا می‌کند، قدری پرنرنگ‌تر است.

قیدی در این خصوص گفت: بله همین‌طور است؛ هر کدام از کاراکترها به نوعی در ویژگی‌هایی قرار داشتند که گویی قشر مشخصی را نمایندگی می‌کنند. در این زمینه تمهید داشتیم و اصرار من بود که به این سمت برویم تا بچه‌های امروز راحت‌تر بتوانند با این کاراکترها هم‌راهی کنند، نه اینکه احساس کنند ما داریم درباره آدم‌هایی دست‌نیافتنی و فرانسایی صحبت می‌کنیم که شما نمی‌توانید به موقعیت آنها نزدیک شوید.

قیدی با اشاره به انتخاب بازیگران اصلی فیلم دسته دختران گفت: این سؤال همیشه برایم سؤال عجیبی است. مگر مهم است که در چه فرایندی ما به این ترکیب از بازیگران رسیده‌ایم و قبل از آنها چه گزینه‌هایی داشته‌ایم که محقق نشده است؟ به نظر مهم این است که چه چیزی روی پرده می‌بینیم. مهم این است که حتی اگر گزینه‌ای انتخاب دهم ما پوده است، در فیلم جای درستی قرار گرفته باشد. طبیعتاً درباره «دسته دختران» هم برای برخی نقش‌ها گزینه‌های دیگری مدنظر داشتیم اما اتفاق اصلی این است که در حال حاضر ترکیب بازیگران درستی مقابل دوربین قرار گرفته‌اند.

فیلم دسته دختران از ویژگی‌های بسیاری برخوردار بود؛ فیلمی مملو از صحنه‌های جنگی و پر از انفجار و تیراندازی. گرچه به نظر می‌رسد دلیل این امر اعتبارات مناسبی باشد که برای این فیلم اختصاص داده شده بود.

قیدی همچنین در خصوص این بخش گفت: البته این صحنه چندان هم پرهزینه نبود! نهایت چند لاستیک در اختیار داشتیم ولی واقعیت این است که از همان ابتدا هر کسی فیلمنامه را می‌خواند، می‌گفت سراغ چه فیلم سختی رفته‌اید. همه این پروداکشن در همان فیلمنامه هم وجود داشت. این ضرباهنگ کاملاً در فیلمنامه بود

است، می‌توان یک حُسن برای آن در نظر گرفت که مخاطب امروزی که گویا نمونه‌هایی از این ناهنجاری‌های اجتماعی را در سال ۱۴۰۰ در اطراف خود می‌بیند، می‌تواند نمایندگانی از شرایط امروز را در روزهای جنگ بر پرده نقره‌ای مشاهده و با آنها همذات‌پنداری کند.

وی افزود: دسته دختران، مخاطب را با صحنه‌های درخشان جنگ و تلخی‌های پشت سر هم که مثل سیلی بر صورت مخاطب می‌نشیند، مرعوب می‌کند تا چنان درگیر فرم شود که به محتوا فکر نکند... برای مثال صحنه افتادن سر یک نخل یا صحنه حمله هواپیما به گورستان جنت‌آباد از جمله صحنه‌هایی هستند که به ستودنی‌ترین شکل ممکن از پس این اتفاق برآمده‌اند.

متولیان گفت: اما همه اینها باعث نمی‌شوند که ضعف فیلمنامه و محتوای دراماتیک فیلم به چشم نیاید. این ضعف تا بدانجا پیش می‌رود که منیر قیدی بعد از خلق یک اکشن تمام‌عیار سینمایی که انفجارها و تلخی‌های لحظه‌ای یقه مخاطب را رها نمی‌کند، نمی‌داند چگونه باید در پایان فیلم نقطه بگذارد و برای پایان بندی متوسل به قرار دادن یک نریشن در فیلم خود می‌شود! فارغ از اینکه می‌تواند برای پایان فیلم خود از کاشت‌های داستانی پیشین خود بهره‌برد و برای مثال با یک انفجار یا ترکش پرده‌های داخل خانه را در پلانی باشکوه آزاد کند.

وی افزود: دسته دختران برای هر فیلمسازی، فیلم سخت و دشواری است... میزانسن‌های سخت و پرتناق و تعدد صحنه‌های انفجار و تیراندازی و به خدمت فیلم گرفتن همه اینها کاری است که قیدی خوب‌تر از هر فیلمسازی از پس آن برآمده است؛ اما او برگ برنده‌هایی نیز دارد که می‌توان آنها را برآمده از هوشمندی او و هدایت درستش در مقام کارگردان دانست.

این منتقد سینما گفت: حسین سلیمانی

شوهرش برای رفتن به نقاط امن پاسخ منفی می‌دهد! دیگری از شوهر قمار باز و لالایی خود فرار می‌کند و آن یکی دختری است که برخلاف عدم موافقت و رضایت پدرش حتی حاضر نیست برای خداحافظی با مادرش برگردد و برای هدف مقدسی به نام دفاع از میهن به دام اتفاقی مانند طرد شدن از سوی خانواده و در عمل، فراری بودن از خانه می‌افتد.

این منتقد سینما گفت: فارغ از اینکه جقدر کنشگری این بانوان با آموزه‌های خانوادگی ایران در دهه اول انقلاب هماهنگ و همسان

قیدی گفت: به نظر من «دسته دختران» هم به لحاظ فضای ساختاری کاملاً متفاوت از «ویلاهی‌ها» است. نمی‌توانم بگویم اگر «ویلاهی‌ها» موفق بوده است، حتماً «دسته دختران» هم موفق خواهد بود، چون ساختار، موضوع و جزئیات این دو پروژه روندی کاملاً متفاوت داشته‌اند



نقد‌های بسیاری بر فیلم «دسته دختران» وارد شد که در این میان سید حسین متولیان در نقد این فیلم گفت: با اینکه اصلاً

تقسیم‌بندی‌هایی از جنس تقسیم سینما به زنانه و مردانه را دوست ندارم، اما نمی‌توان کارکرد زنانگی یا مردانگی را در برخی ساخته‌های سینمایی انکار کرد...

بدون شک یکی از بزرگ‌ترین برگ برنده‌های قیدی است؛ بازی شیرین و روان سلیمانی که با چاشنی طنز درونی او و هدایت درست و استادانه کارگردان همراه شده به نوعی نجات‌دهنده فیلم است.

وی افزود: دسته دختران بدون حسین سلیمانی آن قدر تلخ است که قابلیت در هم می‌چاله کردن مخاطب را دارد اما حضور بازیگری مثل او که بعد از ربع قرن بازیگری حالا در قواره یک ستاره بر پرده سینما ظاهر می‌شود، همان جای نفسی است که یک فیلمساز حرفه‌ای به مخاطب می‌دهد تا ضربان قلب مخاطبش را کنترل کند و تلخی‌های مکرر، تماشاجی را از نشستن بر صندلی سینما پشیمان نکند...

متولیان گفت: علاوه بر حسین سلیمانی، فرشته حسینی نیز بازی قابل تحسینی از خود ارائه می‌دهد که تماشای بازی او به‌عنوان یک بازیگر جوان مخاطب را با یک حسرت عمیق مواجه می‌کند که ای کاش بازیگر نامدار و شناخته شده نیز وقتی به کارگردانی اعتماد می‌کنند، خود را به او بسپارند تا او بتواند همه ظرفیت‌های مورد نیاز کاراکترها را از بازی بازیگرانش استخراج کند.

در مجموع دسته دختران فیلمی است که با وجود گرفتن نمره قبولی از سوی مخاطب، حسرت‌هایی بزرگ را با خود به همراه می‌آورد که بیشتر این حسرت‌ها در نقصان درام و سیر داستانی و محتوایی فیلم بروز و ظهور می‌یابند و امید می‌رود که فیلمساز باهوش و توانمندی چون منیر قیدی در آثار بعدی خود همان قدر که به فرم اهمیت می‌دهد، محتوای اثر خود را نیز بهبود دهد.

فیلم دسته دختران همچنان در پرده‌های سینماهای مختلف شهر درحال اکران است؛ این فیلم به یکبار دیدن می‌ارزد. گاهی مخاطب خودش باید پای فیلم بنشیند و آن را از زوایای مختلف تماشا کند.

